



قبولی داشتیم. این به دلیل شاعران بزرگی بود که آثارشان مورد اقبال عام و پسند خاص است و صیت نام و آوازه اشان فراتر از مرزهای خودمان رفته است. البته این سنت شعری در پیش از انقلاب آسیب دیده بود و داشت به انزوای رفت. با وقوع انقلاب اسلامی، به خاطر سابقه و توانایی اش در انتقال مفاهیم و الودباره مورد توجه شاعران قرار گرفت و به آن رجعت کردیم.

اصولاً ادبیات و هنر پیش از انقلاب هم در حوزه شعر و هم در داستان دچار منجلاب یأس و ناامیدی کشنده ای بود.

به همین دلیل مسئله اصلی نویسندگان و شاعران فرم و قالب است آن هم به شکل افراطی. معمولاً هرگاه فکر و اندیشه قابل اعتنا نباشد، فرم گرایی موضوعیتی مضاعف پیدا می کند. بعد از انقلاب به خاطر اتفاقات جدید و فضای جدیدی که پیش آمد، دوباره رویکردی داشتیم به مفاهیم و اندیشه های دینی. لذا در دهه شصت توجه ویژه به محتوا داریم اما به مرور تعادلی بین قالب و محتوا ایجاد می شود.

اما در حوزه خاطره و خاطره نگاری، در سال های اخیر انقلابی شد و امروز مخاطبان و خوانندگان این بخش قابل مقایسه با هیچ بخش دیگری نیست. در حالی که پیش از انقلاب، عمدتاً خاطره متعلق به خواص و اقشار فرادست جامعه بود اما انقلاب و به ویژه دفاع مقدس موجب شد همه مردم صاحب خاطره شوند و خودشان را در خاطرات روزهای با شکوه کشورشان ببینند.

در مجموع با اتفاقاتی که در این سه بخش ادبیات

در بعد از انقلاب افتاده است ما امروز شاهد ادبیاتی هستیم به نام ادبیات انقلاب اسلامی که در دوره معاصر ایرانی ترین و ملی ترین ادبیات ماست.

ویژگی های این ادبیات چیست؟

همان طور که عرض شد، پیش از انقلاب ادبیات ما به یأس و ناامیدی رسیده اما با اتفاقاتی که در جامعه افتاد، هنرمندان ما از جمله اهالی ادبیات وارد فضاهای جدیدی شدند که مملو از امید و معنویت بود. یکی دیگر از ویژگی های ادبیات بعد از انقلاب، مردمی بودن آن است. از دو نظر این موضوع قابل توجه است. یکی حضور قابل توجه مردم در عرصه ادب و هنر است.

پیش از انقلاب، ادبیات و هنر در سیطره عده ای خاص بود. بعد از انقلاب این انحصار شکست. به ویژه در سال های اول انقلاب فضایی ایجاد شد که بسیاری کسانی که در خود استعداد و علاقه ای می دیدند، وارد این حوزه می شدند. یکی از دوستان تعریف می کرد که سال ها پیش از انقلاب مجموعه شعری را برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ارسال کردم و هیچ وقت پاسخی دریافت نکردم.

بعد از انقلاب خودم از مسئولان کانون شدم و همان کتاب را در آنجا چاپ کردم و مورد توجه مردم قرار گرفت. بی انصافی نیست که اگر بگویم ادبیات در انحصار افرادی خاص بود و همه مردم توان ورود به این حیطه را نداشتند و از جهتی دیگر استقبال مردم از آثار تاجایی است که تیراژها با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. البته شمارگان

کتاب ها اول انقلاب بسیار بالا بود اما بعدها به دلایلی افت داشتیم با این همه در بخشی که بنده کار می کنم استقبال مردم از ادبیات انقلاب اسلامی بی نظیر است.

*همین ادبیات که افت و خیزهایی را پشت سر گذاشته، سهمی در پیروزی انقلاب داشته است؟

**حتماً در همراهی با انقلاب بی تاثیر نبوده است بخشی از ادبیات مردم و انقلاب و شعارهایی هستند که مردم در کوچه و بازار اعلام می کردند اما آن که انقلاب را پیش برد و به پیروزی رساند، فراتر از ادبیات و کار هنرمندان ما بود. در واقع مسئله اصلی ما فرهنگ و معارف شیعه بود.

رهبری امام و پیوندی که بین مردم و این نوع معارف وجود داشت، سبب شد تا انقلاب پیروز شود. این حرف ما نیست، این ها را حتی خانم اسکات پل از انقلاب شناسان بزرگ دنیا می گوید. او در مقاله ای با عنوان دولت تحصیلدار و اسلام شیعه در انقلاب ایران، که در واقع اصلاح نظرات پیشین خودش در باره وقوع انقلاب هاست، اذعان کرد که فرهنگ شیعه به ویژه سلسله اربعین هایی که با اربعین شهدای ۱۹ دی قم و بعد تبریز و یزد شروع شد، از عوامل موثر در پیشبرد انقلاب اسلامی است.

در هر صورت، بعضی از هنرمندان ما با انقلاب همگام بودند و عقب نماندند و خیلی ها هم عقب ماندند و چون جریان روشنفکری نتوانست با انقلاب پیش برود. در عین حال بزرگانی هم